

بررسی خصلت تشویق دیگران

باید در تشویق از لفظ و شیوه ای استفاده کرد که در درون شخص، شوق و نیت و علاقه ایجاد کند و این شوق درونی، او را به تلاش بیرونی وادار کند، نه اینکه صرفاً یک "تحریک بیرونی" باشد.



باید در تشویق از لفظ و شیوه ای استفاده کرد که در درون شخص، شوق و نیت و علاقه ایجاد کند و این شوق درونی، او را به تلاش بیرونی وادار کند، نه اینکه صرفاً یک "تحریک بیرونی" باشد.

به گزارش خبرگزاری مهر، رفتار تشویق آمیز یکی از شیوه های نیک در معاشرت و برخورد با دیگران است. اغلب یا همه افراد، به لحاظ برخورداری از غریزه "حب نفس" دوست دارند که مورد توجه و عنایت قرار بگیرند. توجه به این نیاز، در حدی که به افراط کشیده نشود و آثار سوء نداشته باشد، عاملی در جهت تغییر رفتار یا ایجاد "انگیزه عمل" در انسانهاست.

وقتی کسی را مورد تشویق قرار می دهیم و به خاطر داشتن صفتی یا انجام کاری می ستاییم، در واقع "خود دوستی" او را ارضا کرده ایم. این هم جاذبه و محبت می آفریند، هم نیت و انگیزه پدید می آورد یا تقویت می کند.

همچنان که از لفظ تشویق نیز بر می آید به معنای "بر سرشوق آوردن" و "راغب ساختن" در ماهیت تشویق نهفته است. این کار نیازمند شناخت ما از روحیات و خصلت های روانی اشخاص به معنای عام و از ویژگی های روحی فرد مورد تشویق به طور خاص است. در تشویق، باید از لفظ، شیوه و برخوردی استفاده کرد که در درون شخص، شوق و نیت و علاقه ایجاد کند و این شوق درونی، او را به تلاش بیرونی وادار کند، نه اینکه صرفاً یک "تحریک بیرونی" باشد.

بعضی خصلت "تشویق دیگران" را ندارند و به دلیل خودخواهی، غرور، حسد یا هر عامل دیگر، هرگز زبان به ستایش و تمجید از خوبیهای دیگران نمی گشایند و گفتن یک کلمه تشویق آمیز، برایشان بسیار سنگین نیست، بلکه از این کار لذت هم می برند و چقدر تفاوت میان این دو گونه افراد است.

داشتن زبان و لحن تشویق آمیز، موهبتی خدایی است و نشان کمال روحی و همت بلند و علاقه به بالندگی و رشد انسانهاست. تشویق در نیکان و نیکوکاران، زمینه بیشتر برای "عمل صالح" پدید می آورد و نسبت به بدان و بدیها، اثر غیر مستقیم بازدارندگی دارد. اگر در جامعه ای میان نیک و بد فرقی گذاشته نشود و به شایستگی فرزانه و فداکار و فرومایگان تبهکار به یک خشم نگاه کنند، این عامل سقوط اخلاقی و ارزشی جامعه است. صالحان مایوس و دلسرد می شوند و فاسدان جرات و گستاخی می یابند. این مضمون کلام حضرت علی(ع) در عهد نامه ای که به مالک اشتر نخعی نوشت، او را به این ارزش گذاری و بها دادن به نیکان صالحان فرمان داد؛ ای مالک هر گز نیکوکار و بدکار نزد تو یکسان و در یک جایگاه نباشند، چرا که در این کار، بی رغبتی نیکوکاران در امر نیکوکاری است و ورزیدگی و شوق بدکاران برای بدی است.

تفاوت گذاشتن میان نیک و بد در نوع برخورد و احترام و توجه، نه تنها با "عدالت" منافاتی ندارد، بلکه سوق دادن جامعه به سوی صلاحیت هاست و ارج نهادن به نیکها و نیکان است. این تفاوت رفتار به خاطر تفاوت عمل دیگران هم در محیط خانه و میان فرزندان قابل عمل است، هم در محیط درسی و میان دانش آموزان و دانشجویان. هم نسبت به کارمندان، سربازان و خدمتگزاران و اقشار مختلف دیگر.

هم در بحث تنبیه و توبیح، هم در مقوله ستایش و تشویق باید تناسب میان "عمل" و "میزان تشویق" مراعات شود تا اثر مطلوب را ببخشد. بدن این تناسب، یا افراط می شود یا تفریط، و هر دو زیانبار است. البته هر یک از این زیاده روی یا کوتاهی در تشویق و ستایش هم ریشه ها و عللی دارد. حضرت علی(ع) می فرماید: ستایش بیش از حد استحقاق و شایستگی تملق و چاپلوسی است. و کم گذاشتن و کوتاهی از حد استحقاق ناتوانی یا حسادت است.

این سخن، ضمن تاکید بر همان تناسب دو جنبه افراط و تفریط را در مساله یادآور می شود و به ریشه آن هم اشاره دارد. زیاده روی در مدح، یا از جهالت و نشناختن قدر و ارزش کارها و اشیا سرچشمه می گیرد، یا نشانه روحیه چاپلوسی و نوکر صفتی و حقارت نفس و روح است. حضرت امیر(ع) در سخنی دیگر می فرماید؛ بزرگترین نادانی، زیاده روی در ستایش و بدگویی است.

هر چند سخن از تشویق است ولی مدح و ستایش نیز یکی از جلوه های تشویق و روش های رغبت آفرینی در افراد به شمار می آید. از آنجا که تشویق، برای انگیزش به کار نیک است، اگر کمتر از "ارزش کارگر و" فضیلت صفات" باشد، موجب کم اهمیت جلوه یافتن آن کار و صفت می گردد. مثلا اگر یک دانش آموز پس از یکسال تلاش پیگیر در امر تحصیل و داشتن معدل بیست فقط یک بار با احسن و بارک الله تشویق شود روحیه خود را از دست می دهد، یا اگر در برابر فداکاری عظیم و ایثار چشمگیر یک انسان وارسته، تنها به ستایش مختصری اکتفا شود، حق او ادا نشده است. بر عکس اگر در برابر کار نیک کوچکی عظیم ترین تشویقها به عمل آید. در نتیجه می توان گفت تشویق باید بجا و پاداش آن در شان کار نیک انجام شده باشد تا ارزش جایزه آن کار لوث نگردد.